

ازدواج در ادیان الهی و فرهنگ اجتماعی و تأثیر آن در جنبه‌های حقوقی و اجتماعی*

حسن قلی‌پور^۱

چکیده

در جهان‌بینی اسلامی برای تمامی نیازها و غرایز انسانی راهکارهایی در نظر گرفته شده است. در این رابطه می‌توان گفت مسأله ازدواج بهترین راهکار برای یکی از غرایز انسانی است که از دیدگاه اسلامی و ادیان الهی اهمیت بسیاری دارد. روح لطیف انسان همانند جسم او دارای نیازهایی است که در صورت تأمین آنها به تکامل واقعی خواهد رسید به همین دلیل محبوب‌ترین چیزها در نزد خداوند مسأله ازدواج است، آنجا که در قرآن مجید می‌فرماید: «... فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا فَوَاجِدَةً اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ ذٰلِكَ اَدْنٰى اِلَّا تَعْوَلُوْا». با زنان پاک دامن ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره‌ی همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید و یا از زنانی که مالک آنها هستید استفاده کنید این کار از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند (نساء ۳). پیامبر عظیم‌الشأن (ص) فرمود: «النکاح سنتی و من رغب عن سنتی فلیس منی» ازدواج سنت و روش من است و هر کسی از آن دوری کند از من نیست. ازدواج به عنوان پایه و اساس یک جامعه صلح آمیز است. ازدواج یک رکن اصلی خانواده و تقریباً اساس تشکیل خانواده و مبنای سازمان اجتماعی هر کشوری محسوب می‌شود. ازدواج یک سنت الهی است که در تمام ادیان الهی (یهودیت، مسیحیت، اسلام، هندو، بودیسم و غیره) وجود داشته و دارد. از طرفی ازدواج یک حکم فطری و هماهنگ قانون آفرینش است و انسان برای بقاء نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی اجتماعی احتیاج به ازدواج سالم دارد. بر اهمیت ازدواج دلایل فراوانی بیان داشته‌اند، از جمله مسأله تولید مثل مسأله کسب استقلال، حفظ عفت و مصونیت از گناه و ایجاد آرامش و تأمین اجتماعی و ... که در این مقاله اشاره شده است. از طرفی خانواده، واحد بنیادین جامعه و مرکز اصلی رشد و تعالی انسان‌ها است و قرآن کریم به آن اشاره کرده و فرمود: برای هر چیز زوج قرار دادیم و راز بقای بشر این است که این امر به نحو احسن انجام پذیرد. دلیل اهمیت این امر، تأثیر خانواده بر ارزش‌ها و روابط اجتماعی است و می‌توان گفت که یک خانواده سالم، جامعه سالم را نوید می‌دهد و سلامت خانواده، سلامت جامعه را به دنبال دارد، تمام تحولات اجتماعی، در ابتداء در خانواده شکل می‌گیرد و سپس به جامعه منتقل می‌شود.

کلید واژه: غرایز، فطری، سنت، جامعه، مصونیت، تکامل

* تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۰

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران gholipour@baboliau.ac.ir

۱- مقدمه

خانواده از مهمترین و کهن‌ترین واحد اجتماعی است که بر نهادی به نام ازدواج بنیاد نهاده شده است. « زیست اجتماعی در انسان با شخصیت‌ها، عقیده‌ها و نگرش‌ها و خانواده‌های متفاوت وابسته به انعقاد پیمان زناشویی می‌باشد. این در هم آمیزی و اتحاد دو انسان به راحتی میسر نیست لیکن با سعی و تلاش و حصول تفاهم بین ازدواج‌ها، اتحاد و صمیمیتی پدید می‌آید که باعث رشد مادی و معنوی آنان می‌گردد».

ازدواج عامل پیدایی خانواده است و خانواده از دیدگاهی، یک نشان یا نماد اجتماعی شمرده می‌شود و برآیند یا انعکاسی از کل جامعه است. در یک جامعه منحل، خانواده نیز خود به خود منحل خواهد بود؛ برعکس در سلامت جامعه، سازمان‌های آن از جمله خانواده نیز از سلامت برخوردار خواهد بود. اما به محض تکوین، خانواده همچون هر سازمان اجتماعی دیگر بر زمینه اجتماعی خود اثر خواهد گذارد. چون خانواده طبیعی‌ترین و مشروع‌ترین واحد تولید مثل به شمار می‌آید، کم و کیف فرزندانش بر تمامی ساخت جامعه اثر خواهد داشت. هرگز نمی‌توان انتظار داشت جامعه‌ای سالم باشد و حال آنکه فرزندان ناسالم از درون خانواده بیرون می‌آیند. سخن از این واحد حساس اجتماعی است. واحدی که بی‌هیچ شبهه از فراگیرترین واحدهای اجتماعی است. زیرا تقریباً همه اعضای جامعه را دربر می‌گیرد و اکثریت وسیعی از مردم در عین حال به دو خانواده تعلق دارند، خانواده‌ای که از آن بر می‌خیزند (خانواده خاستگاه یا راهبر) و خانواده‌ای که خود بنا می‌کنند (خانواده فرزند آور) (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

خانواده در زمره عمومی‌ترین سازمانهای اجتماعی است و براساس ازدواج بین دست کم دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی واقعی یا اسنادی یافته به چشم می‌خورد (به همراه این مناسبات شاهد پیوندهایی قراردادی مبتنی بر پذیرش فرزند نیز هستیم). خانواده معمولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است، هرچند همواره چنین نیست و همین نیز وجه تمایز مفاهیم خانواده و خانوار است و کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی، تربیتی و ... را به عهده دارد. از این رو، خانواده به مجموعه‌ای از افراد گفته می‌شود که در فضایی مشترک زندگی می‌کنند و سه خصوصیت زندگی مشترک آنها را تحت عنوان «خانواده» مرزبندی می‌کند:

۱- تولید مثل: خانواده بر آورنده نیاز جسمانی است، شکی نیست که اگر این نیاز در انسان وجود نداشت، خانواده نیز تشکیل نمی‌شد، زیرا روابط جنسی و زاد و ولد موجب تداوم و استمرار زندگی خانوادگی است.

۲- اقتصاد: از عوامل مهم حفظ و بقای خانواده یاریگری‌های اقتصادی براساس تقسیم کار بین زن و شوهر است.

۳- اجتماعی کردن فرزندان: کودک در دامن مادر و در کنار پدر پرورش می‌یابد و شخصیتش در فضای خانواده شکل می‌گیرد و در این جاست که با هنجارهای گروهی هم‌نوا می‌گردد (قنادان، ۱۳۸۳-۱۴۷).

۲- مفهوم ازدواج

ازدواج از مفاهیمی است که فهم آن در میان جوامع از بدیهیات می‌باشد و چیزی نیست که نیاز به تفهیم و تفهم و تبیین داشته باشد سیره عملی مردم دنیا از آن فهم رسیدن دو نفر مرد و زن به یکدیگر طبق ضوابط و قوانین خاص هر قومی را بیانگر است و در بخش حقوق خانواده آن را از مقوله اموال شخصیه دانسته‌اند و تعاریفی نیز برای آن بیان داشته‌اند از قبیل:

۱- نکاح عبارت است از تراضی زن و مرد برای تشکیل خانواده

۲- نکاح عبارت از تراضی زن و مرد برای تشکیل زندگی مشترک

۳- نکاح عبارت از توافق زن و مرد برای تمتع جنسی

تعاریف قسمت اول و دوم شامل ازدواج دائم است و نمی‌تواند در برگیرنده ازدواج موقت باشد ولی تعریف قسمت سوم می‌تواند هم شامل ازدواج دائم باشد و هم شامل ازدواج موقت (موسوی زنجان رودی، ۱۳۷۱: ۱۲-۱۱).

۳- ملاک‌ها و معیارهای انتخاب همسر

معیارها باید از مکتب اسلام منبعث شده باشد (رشیدپور، ۱۳۷۸).

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) فرمود: من به همه عواملی که در خوشبختی انسان‌ها مؤثر است اشاره کرده‌ام و در مورد همه‌ی عواملی که به نوعی رکود و توقف انسان را موجب می‌شود، هشدار داده‌ام. با مراجعه به قرآن و عترت و سیره اهل بیت رسول خدا به خوبی می‌توان به ضوابط و معیارهای خوشبختی خانواده دست یافت. برای وصول به خانواده استوار و مستحکم ابتدا باید بررسی‌های لازم از سوی دختر و پسر انجام شود و بدون مطالعه و دقت به تشکیل خانواده نپردازند بلکه بر اساس معیارهای منطقی و عقلی همسر آینده را به طور کامل شناسایی کنند و سپس به انجام پیوند ازدواج اقدام نمایند. معیارها باید بر حفظ نظام خانواده مؤثر باشد.

باید به خاطر داشته باشیم که هدف اساسی از زندگی مشترک خانوادگی برخوردار شدن زن و مرد از صفا و صمیمیت است. به همین مناسبت زن و مرد باید انگیزه ازدواج را بر محور امور معنوی قرار دهند، نه امور مادی همانند زیبایی.

آنچه در متن زندگی برای مرد ضرورت دارد اخلاق سازگاری زن است و آنچه که خانواده را

خوشبخت می‌کند حیاء و عفت زن است، نه زیبایی تنها. به طور کلی آنچه که محیط خانواده را سرشار از عشق و محبت می‌کند، رعایت اصول اخلاقی، پاکدامنی و پایبندی به تقوا و درستی و راستی است (رشید پور، ۱۳۷۸: ۸۱).

۴- ازدواج پایه و اساس یک جامعه صلح‌آمیز

ازدواج یک رکن اصلی خانواده و تقریباً اساس تشکیل خانواده و مبنای سازمان اجتماعی هر کشوری محسوب می‌شود. ازدواج یک سنت الهی است، از طرفی ازدواج یک حکم فطری و هماهنگ قانون آفرینش است که انسان برای بقاء نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی اجتماعی احتیاج به ازدواج سالم دارد. کسی که می‌خواهد ازدواج کند باید انگیزه‌اش « الهی » باشد و برای انجام فرمان خداوند عالم به این دستور الهی عمل نماید (موگهی، ۱۳۷۲: ۵۳).

و قرآن مجید می‌فرماید: « فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ إِيَّاهُ فَانكِحُوا أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ». با زنان پاک دامن ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌تسید عدالت را (درباره‌ی همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید و یا از زانی که مالک آنهاست استفاده کنید این کار از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند (نساء: ۳).

چرا که گزینه جنسی نیرومندترین و سرکش‌ترین غرایز انسان است که به تنهایی با دیگر غرایز برابری می‌کند و انحراف آن منجر به انحراف انسان از دین و ایمان شده و او را به خطر خواهد انداخت.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي» کسی که همسر اختیار کند نیمی از دین خود را حفظ داشته و باید مراقب نیم دیگر باشد. (قمی، ۱، ۵۶۱) در حدیثی دیگر از پیامبر اسلام (ص) «شراکم عزابکم». بدترین شما مجردان شما هستند. بسیاری از مردان و زنان برای فرار از زیر بار این مسؤولیت الهی و انسانی متعذر به عذرهایی از جمله نداشتن امکانات مالی، نداشتن شغل و کسب، مهریه سنگین و غیره می‌دانند.

در آیه مورد بحث خداوند صریحاً فرموده که «فقر» نمی‌تواند مانع راه ازدواج گردد، بلکه چه بسا ازدواج سبب غنا و بی‌نیازی می‌شود. خداوند فرمودند: « إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ». اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد، خداوند واسع و آگاه است (نور، ۳۲).

دلیل آن روشن است، زیرا انسان تا مجرد است احساس مسؤولیت نمی‌کند، ابتکار، نیرو،

استعداد و خلاقیت خود را به اندازه کافی برای کسب درآمد مشروع بسیج نمی‌کند و نه هنگامی که درآمدی پیدا کرد در حفظ و بارور ساختن آن می‌کوشد و به همین دلیل مجردان غالباً خانه به دوش و تهی دست هستند! اما بعد از ازدواج شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می‌شود و خود را شدیداً مسؤول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسایل زندگی فرزندان آینده می‌بیند به همین دلیل تمام هوش و ابتکار و استعداد خود را به کار می‌گیرد و در حفظ درآمدهای خود، صرفه جوئی و تلاش می‌کند و در مدت کوتاهی می‌تواند بر فقر و بی‌نیازی چیره شود و زندگی آبرومندی داشته باشد. بی‌جهت نیست که امام صادق(ع) فرمود: «الرزق مع النساء و العیال». روزی همراه همسر و فرزند است(تفسیر نور الثقلین، ۳، ۵۹۵).

آری بدون شک امدادهای الهی و نیروهای مرموز معنوی نیز به کمک چنین افرادی می‌آید که برای انجام وظیفه انسانی و حفظ پاکی خود اقدام به ازدواج می‌کنند. یقیناً هر فرد با ایمان می‌تواند به این وعده‌ی الهی دلگرم و مؤمن باشد. پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) بارها فرمود «النکاح سنتی و مَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي». ازدواج سنت من است و هر کسی از آن دوری کند از من نیست. از طرفی شواهدی در دست است که نشان می‌دهد، متجاوز از ۹۰ درصد از جمعیت جوامع گوناگون و مذاهب مختلف جهان به طور متوسط حداقل یک بار در زندگی خود ازدواج می‌کنند (گلیک، ۱۹۸۰، از قول نوایی‌نژاد، ۱۳۷۶).

از همه مهمتر ازدواج در تمام ادیان و مذاهب مختلف در تمام اعصار از زمان آدم «اب‌البشر» پدر انسانها و به تعبیر دیگر «بنی آدم» تاکنون بوده و هست و اولین ازدواج را خداوند نسبت به آدم و حوا قرار داده و تاکنون ادامه دارد. در این زمینه خداوند در سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ تَقَوُّا اللَّهَ الْغَدَى تَسَاءَلُونَ». ای مردم از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه‌ی شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد، از آن دو، مردان و زنان فراوان (در روی زمین) منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید) و هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! و نیز از (قطع رابطه) با خویشاوندان خود پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شما است(نساء، ۱).

در اینجا روی سخن در نخستین آیه از سوره نساء به تمام انسان‌ها است، در حقیقت تمام افراد بشر در زندگی خود به آن نیازمند هستند. سپس همه را دعوت به تقوا و پرهیزگاری می‌کند که ریشه‌ی اصلی زندگی سالم و همچنین جامعه‌ای سالم می‌باشد. در جمله‌های بعد می‌فرماید: همسر آدم را از او آفرید: وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا. از نشانه‌های قدرت خدا این است که همسران شما را از جنس شما قرار داد تا به وسیله‌ی آنها، آرامش پیدا کنید. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا. بنابراین اساس ازدواج بر پایه آرامش و صلح ریخته شده تا این مذکر و مؤنث با هم ازدواج کنند و زندگی اشتراکی را درست نمایند تا بتوانند در کنار هم با صلح و آرامش زندگی را ادامه دهند و تکثیر نسل نمایند که زیر بنای یک جامعه سالم بر اساس آن چیده شده است.

۵- مقاصد ازدواج

اصل زوجیت در فلسفه‌ی خلقت در حیات دنیا و آخرت باید مورد توجه باشد. در اصل زوجیت نه تنها در آفرینش پدیده‌های هستی، فرآیند تولد انسان و بقای نسل و حیات اجتماعی قابل درک است بلکه معنایی از سیر کمال انسان به سوی حق نیز هست. در این رابطه خداوند سوره حجرات می‌فرماید: ((يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)) ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، (اینها ملاک امتیاز نیست) ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقوی‌ترین شماست. خداوند دانا و خبیر است (حجرات، ۱۳).

در این آیه خداوند مخاطب را کل جامعه‌ی انسانی قرار داده است و در این آیه مهم‌ترین اصلی را که ضامن نظم و ثبات است بیان می‌کند و میزان واقعی ارزش‌های انسانی را در برابر ارزش‌های کاذب و دروغین مشخص می‌سازد. بر این اساس ازدواج یک مرد و زن و تشکیل خانواده یک جامعه را می‌سازد و هر جامعه یک خانواده بزرگ، آنگاه می‌فرماید: شما را به طور قبیله‌ای و گروهی درآوردیم و جامعه‌ی بزرگ تشکیل دادیم که این مایه افتخار و مباحث نیست بلکه معیار ارزش‌های واقعی انسان، تقوا است و همانا گرامی‌ترین شما در نزد خداوند با تقواترین شماست. خداوند در این آیه معیار ارزش انسانی را در تشکیل زندگی تقوی و پرهیزگاری می‌داند که سبب آرامش زندگی بشر می‌شود.

لذا برخی از مقاصد ازدواج را می‌توان به طور خلاصه بیان کرد.

۵-۱- آرامش و سکون

عواملی که در جهت آرامش و سکون از راه ازدواج دخیل هستند زیادند و ما فقط به چند مورد اشاره می‌کنیم.

علاوه بر غرایزی از قبیل گرسنگی و تشنگی و غیره، غریزه‌ی جنسی نیز در انسان وجود دارد که باید به شکل مناسب و منطقی ارضا شود و با ارضای صحیح آن فرد از لحاظ روانی، فکری و اخلاقی به آرامش می‌رسد و شرایط رشد وی از جنبه‌های مختلف نیز فراهم و شکوفا می‌شود.

۵-۲- اتکای زوجین به یکدیگر

چون زوجین بعد از ازدواج به یکدیگر متکی هستند و در حل مسائل و مشکلاتی که در دوران زندگی به وجود می‌آید نیاز به یاری و همکاری و همفکری همدیگر دارند. لذا استفاده از نیروی عضلانی، جسمانی و حتی روانی زوجین در مقابل مشکلات امری اجتناب‌ناپذیر است.

۵-۳- بقای نسل

قوام زندگی زوجین هنگامی تحقق پیدا می‌کند که فرزندی در خانواده پا به عرصه‌ی حیات بگذارد. چون زوجین بعد از بچه‌دار شدن متوجه می‌شوند که مانند قبل تنها نیستند و باید با احتیاط بیشتری با یکدیگر رفتار کنند. لذا با تفاهم بیشتری گام برمی‌دارند تا محیط مناسب و آرام‌بتری برای خود و فرزندان خود به وجود آورند.

خداوند در آیات متعددی درباره ازدواج زوجین و انتخاب همسر و زندگی عادلانه دستورات لازم را داده است. «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذالک لآیات لقوم یتفکرون» از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید، تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند (روم، ۲۱). یکی از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش بیابید و دنباله آن می‌فرماید: در میان شما مودت و رحمت آفرید تا یکدیگر را دوست داشته باشید، جالب توجه اینکه قرآن در این آیه هدف از ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است. بنابراین وجد همسران برای انسان‌ها مایه آرامش و سکونت هم از نظر جسمی است و هم از نظر روحی و هم از جنبه فردی و اجتماعی است. به راستی وجود همسران با این ویژگی‌ها برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی آنها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود.

این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفائی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند، به طوریکه هر یک بدون دیگری ناقص است، طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد.

از اینجا می‌توان نتیجه گرفت آنها که پشت به این سنت الهی می‌کنند، وجود ناقصی دارند. چرا که یک مرحله تکاملی آنها متوقف شده و بیماری‌هایی که به خاطر ترک ازدواج برای جسم انسان پیش می‌آید قابل انکار نیست.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ أَلَيْهَا. او خدائی است که شما را از نفس واحدی آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید (اعراف، ۱۸۹).

یکی از اهداف ازدواج و تشکیل خانواده همان آرامش و سکون در کنار هم می‌باشند. از همه مهمتر نیاز انسان به جنس مخالف امری طبیعی و غریزی است و با ازدواج خانواده تشکیل می‌شود و عنصر اصلی در هر جامعه خانواده است که بدون آن بقای جامعه ممکن نیست. لذا ازدواج به عنوان یک پدیده اجتماعی است که سبب ازدیاد نسل و بقاء بشر و ایجاد آرامش راحتی می‌گردد و این مطلب در تمام قرون در میان همه‌ی ادیان و مذاهب وجود دارد.

۶- راه‌های کسب موفقیت در ازدواج

برای رسیدن به ازدواج موفق راه‌هایی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- سنجش قدرت و توانایی

قبل از هر چیز جوان باید استعداد و توانایی‌های خود را به طور دقیق مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. میزان امکانات موجود خود را برای ایجاد یک زندگی سالم مورد بررسی قرار دهد. این امکانات در ابعاد مختلف مالی و اقتصادی، اجتماعی، جسمی و روحی و امور جنسی باید مورد سنجش و آزمایش قرار گیرد تا بتوان با جدیت بیشتر به مسأله ازدواج برخورد کرد.

۲- انتخاب زوج (دختر)

جوان باید فردی را برای همسری خود انتخاب کند که با ظرفیت‌های مالی و فرهنگی، جسمی، روحی و جنسی او هماهنگ و متناسب باشد.

۳- انتخاب زوجه (مرد)

همچنین دختر باید در انتخاب مرد کمال دقت و مطالعه را داشته باشد. از رویا و خیال‌پردازی پرهیز نماید و دقت کند به جای ظواهر، معیارهای معقولی را ملاک قرار دهد.

۴- پیمان دائم زناشوئی

زوجین باید موضوع ازدواج و تشکیل خانواده را امری همیشگی و واقعی بدانند نه موضوع زودگذر و موقت، پس لازم است با دقت کامل و با عشق و علاقه به عقد و پیمان ازدواج بپردازند و زندگی مشترکی را شروع نمایند.

۵- هماهنگی برای تولید مثل

هماهنگی کامل در ابعاد مختلف خصوصاً در زمینه‌ی تولید مثل امری ضروری است.

۶- استقلال در زندگی

بعد از ازدواج دختر و پسر مانند دوره کودکی و نوجوانی وابسته به پدر و مادر نباشند، باید استقلال داشته باشند و با توکل به خداوند و با همفکری و همکاری یکدیگر تلاش کنند نیاز اقتصادی خود را از اطرافیان و سایرین کم کنند و برآورده سازند.

۷- لزوم حفظ احترام والدین برای طرفین
داشتن استقلال مادی همراه با احترام به پدر و مادر هم کاری خدایپسندانه است و هم منطقی و عقلانی، زیرا زن و شوهر جوان در بعضی از امورات زندگی نیاز به مشاوران باتجربه دارند که پدر و مادر این نقش را به خوبی می‌توانند انجام دهند.

۸- هماهنگی و همسوئی در امور جنسی
در این رابطه زن و شوهر باید شرایط جسمی یکدیگر را در استفاده از روابط جنسی در نظر بگیرند از افراط و تفریط جلوگیری شود.

۹- حسن تفاهم در امور
یکی از بلاهای خانمانسوز سوءظن است که می‌توان با تفاهم و درک کامل یکدیگر آن را از بین برد. لذا زن و شوهر باید احساس هر گونه بیگانگی، شرم و کمروئی‌های بی‌مورد را کنار بگذارند با خلوص نیت نسبت به یکدیگر صحبت کنند.

۱۰- صادق بودن طرفین
زن و شوهر جوان باید نسبت به یکدیگر صداقت پیشه کنند. هر چه صداقت بیشتر باشد احترام و محبت آنها به یکدیگر قوی‌تر می‌گردد.

۱۱- تشویق زن
وضعیت روحی و روانی و جسمی و جنسی زن با مرد متفاوت است. مرد می‌تواند با تعریف و تمجید و به زبان آوردن کلماتی که مهرآمیز است، مثلاً از کارهای پخت و پز، خیاطی، خانه‌داری، نجابت و ... در مواقع مناسبی که پیش می‌آید باعث دلگرمی همسرش شود.

۱۲- حل اختلاف زودگذر همراه با درایت و گذشت طرفین
زن و مرد از خانواده‌های مختلف و دارای فرهنگ‌ها و تربیت‌های متفاوتی هستند. این امر اکثراً باعث بروز اختلافات کلی بین زن و شوهر می‌شود که امری طبیعی است. به مرور زمان زن و مرد با روحیات هم خو می‌گیرند و به هم عادت می‌کنند. بهتر است قبل از اینکه نوزادی معصوم پا به عرصه‌ی هستی بگذارد به این تفاهم از طریق حلم و بردباری و تفکر برسند.

۱۳- مواظبت از چشمان تیزبین کودکان
زن و شوهر هرگز در حضور کودکان خود، بگو مگو و نزاع و اختلاف ایجاد نکنند و یا در مورد مسائل زناشویی صحبت نکنند. تا جایی که امکان دارد اتاق اطفال جدا باشد و یا اگر نباشد در حضور آنان هرگز کاری نکنند که در آنها اثر بگذارد.

۱۴- هدیه دادن

برای به وجود آوردن محبت و دوستی هرچه بیشتر در روز تولد و یا سالگرد ازدواج و مناسبت‌های دیگر با هدیه‌ای هر چند جزئی از نظر قیمت، مانند شاخه گلی یا کتابی نظر و توجه یکدیگر را به خود جلب نمایند و زندگی را شیرین‌تر کنند.

۱۵- مجال ندادن به دیگران در دخالت زندگی شخصی

یکی از آسیب‌هایی که زندگی زن و شوهر را تهدید می‌کند، دخالت‌های بی‌مورد در امور زندگی آنها است چون زن و شوهر کم تجربه هستند با اندک هدایتی و یا دخالتی امکان دارد به هر طرفی بلغزند. هرگز اسرار زندگی خود را برای دیگران بازگو نکنند که این کار خطراتی را به همراه دارد.

۷- معیارها و ملاک‌های مشترک برای زوجین

۱- شناخت خود و خانواده‌اش

در ازدواج نباید ریسک کرد، بلکه طرفین باید، در شناخت یکدیگر دقت کنند. اولین چیزی که باید از یکدیگر بدانند، تاریخچه‌ای از زندگی روانی، عاطفی و پزشکی و خانوادگی است. چون سبک زندگی هر فرد تا حدود زیادی تحت تأثیر زندگی والدین اوست و در این میان مادر نقش اول را بازی می‌کند بنابراین باید دقیقاً فضای روانی، عاطفی، خانواده را مورد توجه قرار داد.

۲- ایمان و دینداری

اعتقاد و پایبندی به اصول و آئین اسلام و هر مذهبی که فرد دارد، می‌تواند از عوامل مهم در خوشبختی طرفین به حساب آید زیرا اعتقادات و پایبندی به اصول، فرد را از انجام بسیاری از اعمال خلاف انسانیت، تقلب، ریا و تزویر باز می‌دارد. دین عامل درونی است که همیشه به همراه افراد است و می‌تواند به عنوان عامل کنترل‌کننده آنها را از ارتکاب به عمل خلاف باز دارد.

۳- اخلاق نیکو

بهترین اوامر زندگی زوجین داشتن اخلاقی نیکو است. رعایت اصول اخلاقی مانند نرمی، ملایمت، گذشت، سازگاری و عفو اغماض در محیط خانه و زندگی مشترک الزامی است. هرگاه یکی از طرفین دچار لغزش و اشتباه شوند به جای جدال می‌تواند با کلماتی از قبیل « معذرت می‌خواهم » « مرا ببخش » آتش اختلاف را خاموش کند.

۸- رعایت اصول کفویت

چون ازدواج یک نوع ترکیب شیمیایی بین دو عضو است، هر قدر از نظر هویت وجودی به

یکدیگر نزدیکتر باشند این ترکیب استوارتر خواهد بود. پس برای اینکه دختر و پسر به ازدواج پایداری برسند هر دو باید اصول کفویت و همانندی را در ابعاد سنی، جسمی، روحی، روانی، فرهنگی و علمی رعایت کنند. یعنی دختر و پسر باید در ازدواجشان عواملی مانند دینداری و تحصیلات اختلاف سنی، طبقات اجتماعی و غیره را به طور نسبی رعایت نمایند.

۹- نتیجه گیری

در نتیجه ازدواج یک سنت الهی است که در تمام ادیان و مذاهب، وجود داشته و دارد که سبب تولید مثل، کسب استقلال، حفظ عفت و مصونیت از گناه و ایجاد آرامش و تأمین اجتماعی و ... می‌گردد.

در این رابطه خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا يَعْلَمُونَ». پاک و منزّه است کسی که همه‌ی جفت‌ها را آفرید از آنچه زمین می‌رویاند و از خودشان و از آنچه نمی‌دانند (یس، ۳۶). این آیه پس از تنزیه ذات اقدس الهی از حاکمیت اصل زوجیت در تمام جهان خبر داده است از جماد تا انسان همه زوج آفریده شده‌اند حتی موجوداتی دیگر که انسان از آنها خبر ندارد که در این آیه خداوند مخاطب را کل موجودات جهان قرار داده است و آن را یک امر طبیعی و غریزی و فطری می‌داند که سبب آرامش و سکون، بقای نسل و ایجاد مودت و رحمت بین زوجین می‌گردد.

ازدواج موفق باعث استقلال زندگی و هماهنگی و همسوئی در امور زندگی و جنسی می‌شود. سرانجام معیار و ملاک‌های مشترک ازدواج را روشن کرد که اگر عمل گردد سبب زندگی بسیار عاطفی، آرامش روانی و سکون می‌شود و در دنیا و آخرت سعادت‌مند خواهند شد. از همه مهمتر ازدواج به عنوان پایه و اساس یک جامعه صلح‌آمیز است و بر جنبه‌های فرهنگی، حقوقی و اجتماعی بسیار موثر است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اکبری، ابوالقاسم، مشکلات نوجوانی و جوانی، نشر ساوالان، تهران، ۱۳۸۱، چاپ دوم.
۴. حویزی، عبد علی بن جمعه العروسی، تفسیر نور الثقلین، جلد ۳، قم.
۵. رشیدپور، مجید، جوان و تشکیل خانواده، کتاب اول آموزش خانواده، چاپ آراین،

۶. ساروخانی ، باقر، (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده ، انتشارات سروش، انتشارات صدا و سیما.
۷. قمی، شیخ عباس، (۱۳۶۳)، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، جلد دوم، تهران .
۸. قنادان ، منصور ، (۱۳۸۳)، جامعه شناسی (مفاهیم کلیدی)، انتشارات آوای نور.
۹. گلیک، (۱۹۸۰) از قول نوایی نژاد. ۱۳۷۶، بررسی عوامل زمینه‌ای - فردی و ارتباطی - دو جانبه‌ای مؤثر بر سازگاری زناشویی، بی‌جا.
۱۰. مظاهری ، علی اکبر ، جوانان و انتخاب همسر ، انتشارات پارسیان قم ، چاپ ۲۲ ، فصل چهارم .
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه(قرآن مجید)، ۲۷ جلدی، چاپ هیجدهم.
۱۲. موسوی زنجان‌رودی، سید مجتبی، (۱۳۹۱)، تربیت مذهبی کودک، بی‌جا.
۱۳. موگهی، عبدالرحیم، (۱۳۷۲)، احکام ازدواج، خوزستان.

Archive of SID